

قوامیت از دیدگاه تفسیر تسنیم وفمنیست

زهرا احمدی^۱

بتول سادات هاشمی^۲

چکیده

یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در قرآن موضوع قوامیت می باشد که قیم و سرپرستی مردان بر زنان است. آیت الله جوادی آملی مراد از قوام؛ شوهرانی که سرپرستی و تدبیر امور و رسیدگی به نیازهای زن بر است. قوامیت بیانگر تکالیفی است که برای مردان شمرده شده است؛ مدیریت و مسئولیت اجرایی کانون خانواده و... مقاله حاضر به تبیین و بررسی دو دیدگاه به مسئله قوامیت پرداخته است. محورهای اصلی مقاله عبارت است از: مفهوم شناسی قوامیت، ملاک و دامنه قوامت از نگاه آیت الله جوادی آملی. در ادامه نگاه فمینیسم به قوامیت و نقد و پاسخ آن با توجه به نظر آیت الله جوادی را بررسی می کنیم. دیدگاه فمینیسم؛ درمساله قوامیت مردان وجود دارد برگرفته از آموزه های غلط، در غرب است. و مسئله قوامیت را به عنوان یک نوع تبعیض علیه زنان نام می برد و آن را نوعی ستم و بی عدالتی در حق زنان می داند. در حالی که طبق نظر تفسیر تسنیم؛ مسئله قوامیت نشانه تبعیض نیست بلکه آیات قرآن با توجه به تفاوت های طبیعی و فطری بین زن و مرد به هر کدام نقش خاص خود را سپرده است. با بررسی جایگاه قوامیت معلوم می شود که قوامیت مردان به جهت مسئولیت های اجرایی و اقتصادی، مدیریت خانواده را برعهده دارند و این نشانه برتری مردان نیست. تحقیق حاضر با استفاده از تاکستان روش کتابخانه ای به روش توصیفی، تحلیلی گردآوری شده است.

کلید واژه: قوامیت، فمینیست، تفسیر تسنیم، تبعیض

^۱ طلبه سطح ۲ مدرسه علمیه ایمانیه.. ۰۹۳۹۴۰۳۳۹۷۸

^۲ s12.hashemi@gmail.com: کارشناسی ارشد، تفسیر و علوم قرآن، جمیل. .

دین مبین اسلام با بیان راهکارها در همه ابعاد زندگی در صدد ایجاد جامعه ای آرام و مستقل جهت رسیدن به کمال می باشد ولی از آنجا که افراد و جریان هایی عامدانه در پی ترسیم چهره ای خشن و زورگو از اسلام هستند، این آیه شریفه را دستاویز خویش قرار داده که اسلام حقوق زنان را پایمال و آنان را افرادی ضعیف قلمداد کرده است. مسئله قوامیت مردان در علوم و شاخه های متعددی مطرح شده است. با توجه به اینکه مسئله قوامیت به طور صریح در قرآن ذکر شده و ریشه این مسئله هم از قرآن است، در جایگاه خاصی دارد. از آنجا که اسلام در واگذاری رسالت سنگین قوامیت مرد را به حال خود رها نکرده است و پیوسته قیود، شرایط و التزامات حقوقی و اخلاقی را برای او متذکر شده است، لذا یکی از مسائل مهم علم فقه و حقوق می باشد. پذیرش سرپرستی و ولایت مردان به عنوان یک حقیقت تکوینی و متناسب با خلقت زن و مرد و ارتباط این مسئله با حقوق زنان در خانواده و اجتماع در شاخه مطالعات زنان و علوم اجتماعی کاربرد دارد. همچنان که تامین نیازهای اقتصادی خانواده و در پی آن ایجاد فضایی امن و آرام برای همسر و فرزندان بر عهده سرپرست خانواده است، در علم روانشناسی مورد بررسی قرار می گیرد.

لذا باید به این موضوع از جهات گوناگون پرداخته شود. در زمینه قوامیت تحقیقات زیادی صورت گرفته است که هر یک به نوعی تلاش کرده است که قوامیت را از جهات گوناگون مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اینکه مسئله قوامیت در قرآن مطرح شده ابتدا در کتب تفسیری به آن پرداخته شده است. به عنوان نمونه، کتاب **تفسیر تسنیم**، علامه جوادی آملی با توجه به آیات و روایات سعی کرده است به صورت مختصر تعریف، علت، و دامنه قوامیت را بیان نموده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹). علامه همچنین در کتاب **زن در آینه جمال و جلال** به طور خلاصه به قوامیت و علت آن اشاره کرده اند (جوادی آملی، ۱۳۷۸). مولف کتاب **زن در اسلام**، خانم فریبا عباسوند نیز بحث مشابه اما نسبتاً مفصلی را در این زمینه بیان کرده است. به نظر می رسد آثاری که در زمینه قوامیت منتشر شده به صورت جامع نبوده است و اختلاف فمینیسم با مردان به طور کلی و یا فقهی حقوقی بررسی شده است. مسئله قوامیت در نگاه فمینیسم به صورت خاص بررسی نشده است؛ هدف اصلی این تحقیق قوامیت از دیدگاه ایت الله جوادی آملی و فمینیسم است. البته تلاش می شود به صورت عمیق مورد بررسی قرار بگیرد. با مرور پژوهش ها، به تحقیقات اندکی درباره قوامیت دست می یابیم. یکی از این پژوهش ها در این زمینه، مقاله ای است با عنوان «بررسی تطبیقی قوامیت و تنبیه زنان در تفاسیر فرقین». این مقاله با توجه به منابع تفسیری مهم شیعی و سنی و بررسی روایات رسیده در این خصوص به تبیین شان نزول و قلمرو و شرایط قوامیت پرداخته و رابطه قوامیت و تنبیه زنان نافرمان را بررسی کرده و نگاهی مختصر به فمینیسم و قوامیت داشته است (علی جانی، ۱۳۸۹). یکی دیگر از پژوهش ها، قوامیت مرد از نگاه قرآن کریم و کنوانسیون رفع

تبعیض علیه زنان « است. در این مقاله نگاهی معناشناختی به مولفه های معنایی قوام پرداخته و به بررسی قوامیت و تحلیل علت آن در آرای مفسرین شیعه و اهل سنت پرداخته است. در انتها نیز حقوق انسانی زنان را با توجه به مفاد کنوانسیون رفع تبعیض بررسی کرده است (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۸۷). اما در این پژوهش تلاش می شود تا در کنار بهره گیری از برخی تحقیقات صورت گرفته، قوامیت از نگاه آیت الله جوادی آملی و فمینیسم بررسی شود.

این مقاله به صورت کتابخانه ای گردآوری شده است و محورهای اصلی مقاله عبارت است از: مفهوم شناسی قوامیت، ملاک، دامنه قوامت از نگاه آیت الله جوادی آملی. در ادامه نگاه فمینیسم به قوامیت و نقد و پاسخ آن با توجه به نظر آیت الله جوادی را بررسی می کنیم.

مفهوم شناسی

قوامیت: قوام جمع کلمه قوامون و صیغه مبالغه از آن است. قوام به کسی گفته می شود که در رسیدگی به امور دیگران، خودش به تنهایی و بدون تکیه به دیگران اقدام می کند و به تدبیر امور زن و برآوردن نیاز های او اشراف دارد. قوامون در این آیه به معنای شوهرانی است که در تدبیر امور و برطرف کردن نیاز های زن اشراف دارد (جوادى آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۵۴۹)

راغب می گوید: قوام از ریشه قام یقوم به معنای به پا خواست و برخواست است. قیام کردن به قصد انجام چیزی یا کاری است. در ذیل واژه قیام گفته اند: قیام به معنای نگهداری و اصلاح و خیر است چنانکه خدای تعالی فرموده است: مردان اصلاح کنندگان و یاوران و نگهدارندگان زنانشان. و یا فرمود: تا زمانی که بر آن کار قیام کننده ای یعنی ملازم و همراه و محافظ باشی (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۱۰).

مراد از قوام در آیه ۳۴ سوره نسا قیّم و سرپرست است. این آیه سه مطلب را روشن می کند:

۱. مردان به طور کلی بر زنان قیّم و سرپرست اند و از جمله شوهران بر زنان خویش.

۲. علت این امر یکی برتری وجودی مرد است نسبت به زنان درباره اداره امور و سرپرستی. این حقیقت مسلم است که مرد از حیث تفکر و تدبیر و اداره امور و تحمل کارهای سخت بر زن برتری دارد. چنان که زن از حیث عاطفه و ترحم برتر از مرد است و این تفاوت ذاتی وظایف زن و مرد را نیز متفاوت کرده است؛ لذا «الرّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النّساءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ».

۳. دیگری مسئولیت مرد است نسبت به مهریه و تامین مخارج زن که زن از این جهت مسئولیتی ندارد «وَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۲۰).

علامه در تفسیر آیه قوام می فرماید: «الرّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النّساءِ» جمله خبریه و وصفی است که به قصد انشا و دستور، بیان شده است و معنای آن همانند معنای آیه «كُونُوا قَوّامِينَ بِالْقِسْطِ» است. علت اینکه خداوند مرد را قوام همسرش قرار داده است این است که زن ناموس مرد و امانت الهی است و محافظت از او را مانند نفقه وظیفه مرد قرار داده است (تفسیر تسنیم، ج ۱۸، ص ۵۵۱).

ادله قوامیت مردان در نگاه تفسیر تسنیم

از جمله موضوعاتی که در اسلام و قرآن مورد تاکید قرار گرفته است، موضوع «قوامیت» است. بارزترین نمونه آن آیه ۳۴ سوره نساء است که می فرماید: «مردان سرپرست زنان اند چون که خداوند بعضی از آن ها را بر بعضی دیگر برتری داده و به سبب این که اموالشان برای آن ها خرج می کنند...». بنابر نظر آیت الله جوادی آملی این آیه در خصوص خانواده است و جایگاه مرد را در خانواده معرفی می کند. از آنجایی که خانواده در اسلام مرتبه و شان والایی دارد مستلزم توجه زیادی است و مدیر آن دارای برتری هایی است که بیان خواهد شد.

در ابتدای امر ذکر این نکته لازم است که ملاک و معیار کمال انسان به تقواست و کسی که باتقواتر باشد به خدا نزدیک تر است. بنابراین اگر گفته می شود که مدیریت خانواده و قیومیت مرد بر زن در خانه و همچنین سپردن مسئولیت های سنگین مثل قضاوت و رهبری جامعه به مرد، به خاطر توانمندی بیشتر او در تدبیر و مدیریت است نه به خاطر برتری او. مسئله مدیریت و سرپرستی از مسئله کمال انسانی کاملاً جداست. برخی از کارها را مردان بهتر انجام می دهند بعضی دیگر را زنان (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۵۵۲)

با توجه به اینکه واژه قوام از آیه قرآن گرفته شده است، دلیل این امر را هم در خود قرآن بررسی می کنیم. در این باره می توان به دو آیه در قرآن اشاره کرد: آیه «قَوَّامُونَ» و آیه «درجه»

۱. مهم ترین دلیل قوامیت آیه ۳۴ سوره نساء

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّائِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا (نساء، ۳۴)»

«مردان سرپرست زنان اند چون که خداوند بعضی از آنها را بر بعضی دیگر برتری داده است. و به سبب اینکه اموالشان را برای آنها خرج می کنند. پس زنان صالح فرمانبردارند و در غیاب [همسر] به خاطر آنچه خدا حفظ کرده اسرار او را حفظ می کنند و آن دسته از زنان را که از سرکشی آن ها بیم دارید پندشان دهید و [بعد] در بستر از آن ها دوری کنید...».

در ابتدای این آیه به این مسئله اشاره می کند که مردان بر زنان برتری دارند. سوالی که مطرح می شود این است که دلیل این برتری چیست؟

در تفسیر تسنیم درباره این آیه آمده است که خداوند قوام بودن مرد بر امور خانه را به دو دلیل قرار داده است:

الف. توانایی مرد و قدرت مدیریت؛

قوامیت و فمنیست

قوامیت، مدیریت و سرپرستی مرد در امور خانه و خانواده است و شامل اجتماع نمی شود. مردان نمی توانند از این مسئولیت برای تحت سلطه و فشار بر زن استفاده کنند. درست است که زن باید از مرد اطاعت کند ولی نه به این معنا که استقلال در امور خود نداشته باشد. قیم بودن مرد منافاتی با حقوق و آزادی های زن ندارد و این اطاعت در امور زناشویی بر زن واجب است و در مواردی که با قوانین الهی تعرض داشته باشد اطاعت از شوهر واجب نیست.

بحث قوامیت جنبه دیگری هم دارد. مطالبی که تا کنون ذکر کردیم در دفاع از حقوق زنان از طریق کنترل مردان در قوامیت و برخورد با عصیان در خانواده و جامعه است. در این قسمت از نوشتار به این مسئله می پردازیم که بحث زیاده روی در بخشیدن حق اجتماعی و خانوادگی به زنان است. نادیده گرفتن برتری بدنی و اجتماعی مردان (قدرت جسمانی و روحی) و تلاشهای اقتصادی آنان و سرکوب روحیه مردان به بهانه ایجاد تشابه کامل میان زن و مرد، آثار مخرب و ریانباری را به دنبال دارد که تجربه فمنیسم آن را ثابت کرده است (علی جانی، ۱۳۸۹).

ارائه یک تعریف جامع از فمنیسم کاری دشوار است. بخصوص اینکه فمنیست ها به شاخه ها و گرایش های مختلف فکری تقسیم شده اند و هر دسته هم نسبت به مسائل و مشکلات زنان نگاه خاص خود را دارند (رسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

نظریه فمنیسم بر این باور است که بر زنان به خاطر زن بودنشان ستم شده است (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۳۵۰). می توان گفت فمنیسم مجموعه ای از حرکت و فعالیتهای اجتماعی است که به دنبال احقاق حقوق زنان و از بین بردن تبعیض علیه آنان است که غالباً توسط خود زنان صورت می گیرد. تمام فمنیست ها در این باره که مورد ستم واقع شده اند و باید برای آزادی آنها برنامه های مناسبی اتخاذ کرد، اتفاق نظر دارند. ولی در مورد علل این ستم دیدگی و ارائه راهکار برای رسیدن به آزادی با هم اختلاف نظر دارند (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

اینکه جنبش فمنیسم دقیقاً از چه تاریخی آغاز شد معلوم نیست. ولی متفکران فمنیسم معتقدند که طرح نظریه برابری زن و مرد به قرن هفدهم برمی گردد.

مسئله ای که در نگرش های فمنیستی برجسته تر و مشخص تر است «مسئله مرد» است. بسیاری فمنیست هایی که مردان را دشمن سازش ناپذیر زنان می دانند و برای آزادی زنان راهی جدا و مستقل از مردان را برای رسیدن به خواسته های زنان مطرح می کنند (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

نگاه محوری فمنیست در دفاع از حقوق زنان

باتوجه به اینکه زنان در طول تاریخ وضعیت ناعادلانه و سختی داشتند و رفتارهای نامناسبی با آنها صورت گرفته است، این نهضت به دنبال رفع این تبعیض است. این جنبش شعار و برنامه محوری آن «برابری و تساوی زنان و مردان» در همه امور است (هاجری، ۱۳۸۲، ص ۱۷).

این ادعای تساوی زن و مرد نابه سامانی های اساسی به دنبال دارد و باعث می شود که هر جنسی از اجرای نقش خودش باز بماند هیچ یک نتواند نقش و وظیفه اصلی خودش را درست و صحیح انجام بدهد. از طرفی این تساوی ها باعث می شود که ارزش و جایگاه مرد بالاتر برود و زنان را وادار می کند به اینکه مانند مردان فکر کنند و رفتار و احساس و عواطف مردانه داشته باشند و این اوج تحقیر زن است؛ چراکه «مرد بودن» ملاک ارزش و برتری نیست تا اینکه با تساوی و برابری زن هویت و شخصیت پیدا کند بلکه زن هم دارای جایگاه و موقعیت خودش است و مانند مرد ارزشمند است و هدف از خلقت او این است که در کنار مرد بستری مناسب برای تکامل انسانی فراهم شود. براسلام آن چیزی که خداوند تشریع کرده زن هم مانند مرد نقش خاصی بر عهده دارد که ایفای درست این نقش موجب رسیدن به کمال است (اسحاقی، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

رمز تفاوت های زن و مرد

پذیرش این مسئله که زنان با مردان تفاوتی ندارند و باید از حقوق و جایگاه یکسان برخوردار باشند، با توجه به تفاوت های روحی و جسمانی آن دو در تعارض است و این نگاه مشکلات و آسیب هایی را به دنبال خواهد داشت. مرد و زن هر دو آفریده خداوند هستند و خداوند نسبت به آفریده های خودش تفاوتی قرار نمی دهد. خداوند این دو جنس را خلق کرده است تا در کنار یکدیگر تشکیل خانواده داده و هر کدام با قبول مسئولیت هایی که متناسب با ویژگی های روحی و بدنی اوست به یکدیگر در رسیدن به کمال کمک کنند. اینطور نیست که خداوند با سپردن نقش قوامیت به دنبال تحقیر و ستم بر زن بوده باشد و یا حقوق زنان با این مسئله ضایع شود. از آنجا که خداوند خود خالق زن و مرد است بهتر می داند که کدام با توجه به توانمندی های خاص خود در کجا قرار بگیرند. اگر مسئولیت سرپرستی خانواده به مرد سپرده شده در مقابل خداوند نقشی مهم تر و سنگین تر را بر دوش زنان نهاده و آن به دنیا آوردن فرزند است و این مسئولیت اهمیت زیادی دارد. زنان به عنوان مادر تاثیر زیادی در به وجود آمدن نسل دارند و نباید این مسئله را کم اهمیت نشان داد. روشن است که وجود تفاوت های تکوینی بین زن و مرد غیر قابل انکار است. خداوند با توجه به وجود این تفاوت ها برای هریک از دو جنس زن و مرد وظایف و مسئولیت هایی را مقرر کرده است تا نظام هستی به نحو احسن اداره شود. خداوند در قرآن کریم درباره تفاوت موجودات بایکدیگر فرموده است: اولاً باید زندگی به نحو احسن اداره شود و ثانیاً، تا زمانی که تسخیر متقابل بین موجودات اتفاق نیفتد و بین آحاد و طبقات مختلف ایجاد نشود نظام آفرینش به نحو احسن اداره نمی شود. در سوره زخرف آمده است:

«أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُلْخِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»

«آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند)؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می کنند بهتر است» (زخرف، ۳۲).

خداوند می فرماید: ما مردم را با استعدادهای مختلف و شرایط گوناگون آفریدیم و اگر همه از نظر استعداد و قدرت در یک سطح قرار می گرفتند نظام آفرینش دچار مشکل و اختلال می شد، چون هر کاری را باید با توجه به استعداد و توانایی متناسب با آن انجام داد و کارهای گوناگون باید توسط استعدادهای گوناگون انجام شود. اصل تفاوت را نمی شود انکار کرد. وجود تفاوت ها برای آن است که گروهی بتواند گروه دیگر را به صورت متقابل و دو جانبه تسخیر کنند. اینگونه نیست که کسی این حق را داشته باشد که دیگران به صورت یک جانبه دیگران به تسخیر خود درآورد و خودش مسخر نشود. اینطور نیست که کسی به دلیل داشتن قدرت و استعداد بخواهد دیگران را به تسخیر خود درآورد بلکه تسخیر و خدمت باید به صورت متقابل باشد تا نظام آفرینش به نحو احسن اداره شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۰).

در مقابل نگاه فمینیستی بر این باور است که نباید تفاوتی بین زن و مرد وجود داشته باشد و وجود این تفاوت ها که باعث می شود مسئولیت ها هم متفاوت شود را انکار کرده و آن را علت ستم و بی عدالتی نسبت به زنان می شمارد. و با همین نگاه به دنبال ایجاد برابری در حقوق زنان و مردان هستند. در صورتی که اولاً این امکان وجود ندارد و تفاوت های رفتاری و عاطفی مردان با زنان متفاوت است، ثانیاً اگر این امر امکان پذیر هم باشد آثاری که این فکر به دنبال دارد هم چنان که در جوامع غربی مشاهده می شود باعث شده تا اوضاع زنان و خانواده نسبت به گذشته بدتر و نامساعدتر شود.

علامه جوادی آملی علت این نگاه غرب را این گونه نقد می کنند که: انسان شناسی جهان غرب مانند جهان بینی آنهاست. انسان شناسی آن ها فرع بر جهان بینی آن ها است و چون جهان را در طبیعت خلاصه می کنند از ماورای طبیعت سهمی ندارند و وجود انسان را در محدود به طبیعت می بینند و صرفاً تن شناسند نه انسان شناس!

جهان غرب برای انسان مقامی بالاتر از آنچه که در طبیعت وجود دارد نمی شناسد و نگاه او به انسان از دریچه جهان بینی مادی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۷).

نتیجه

با توجه به آنچه که ذکر شد می توان چنین نتیجه گرفت که قوامیت به معنای سرپرستی و تامین مخارج زن و خانواده از سوی مرد است. مرد به عنوان قوام مسئولیت تدبیر امور زن و خانواده را بر عهده دارد. مردان به دلیل قدرت تدبیر و شم اقتصادی برای این مسئولیت مناسب تر هستند و چون از قدرت جسمانی بیشتری برخوردارند برای این امور شایسته تر هستند. این شایستگی به معنای برتری مردان در نزد خداوند و کمال آنان نیست بلکه این یک وظیفه ای است که بر دوش مردان گذارده شده است. تفسیر تسنیم دلیل قوامیت مردان را تحمل بار سنگین از نظر تامین معاش خانواده و نفقه ذکر می کند و آن را مختص به خانواده می داند. این نگاه حاکمیتی مردان در حالی است که گروهی براین باورند که مردان و زنان با هم برابرند، یعنی مردان و زنان باید بدون توجه به جنس، از حقوق و موقعیت های برابر برخوردار باشند. نظریه فمینیسم معتقد است که بر زنان به خاطر زن بودنشان ستم شده و در موقعیت نابرابر قرار گرفته و مردسالاری و پدرسالاری بر آنان تحمیل شده است و به همین جهت آیه قوامیت را به عنوان مصداقی از مصادیق تبعیض و ظلم علیه زنان می دانند. نگاه فمینیستی که درباره قوامیت مردان وجود دارد برگرفته از آموزه های غلط، در غرب است. پذیرش این مسئله که زنان با مردان تفاوتی ندارند و باید از حقوق و جایگاه یکسان برخوردار باشند، با توجه به تفاوت های روحی و جسمانی آن دو در تعارض است و این نگاه مشکلات و آسیب هایی را به دنبال خواهد داشت.. در حالی که خداوند متعال این دو جنس را خلق کرده است تا در کنار یکدیگر تشکیل خانواده داده و هر کدام با قبول مسئولیت هایی که متناسب با ویژگی های روحی و بدنی اوست به همدیگر در رسیدن به کمال کمک کنند. متأسفانه نگاه ابزاری به قوامیت مردان باعث شده که نقش فرزندآوری زنان نوعی تحقیر محسوب شود و همین نگاه منجر به از دست رفتن کانون خانواده می شود. این در حالی است که اسلام و قرآن برای مستحکم شدن و ماندن خانواده این نقش هارا تعریف کرده است. اگر زنان و مردان با توجه به آن جایگاهی که قرآن برایشان قرار داده عمل کنند کمال انسانی که رسیدن به معرفت الهی است به وقوع خواهد پیوست.

۱. قرآن کریم
۲. اصفهانی، راغب، مفردات، ترجمه: غلام رضا حسینی خسروی، تهران، بی تا، چاپ اول، ۱۳۶۲ ه.ش.
۳. قرشی بنابی، علی اکبر، تهران: نشر دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز چاپ و انتشارات اسراء، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ه.ش.
۳. _____، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ه.ش.
۴. جمعی از نویسندگان، فمینیسم، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.
۵. هاجری، عبدالرسول، فمینیسم جهانی و چالشهای پیش رو، قم: موسسه بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۶. کریمی، حمید، زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه.ش.
- گیلدر، جرج و دیگران، چه کسی گهواره را تکان خواهد داد، ترجمه: سمانه مدنی؛ آزاده وجدانی، تهران: دفتر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۷. علاسوند، فریبا، زن در سلام، قم: مرکز نشر هاجر، چاپ اول ۱۳۹۲ ه.ش.
۸. هاشمی علی آبادی، احمد، «بررسی شبهه اخلاقی سلب کرامت زنان در صدر آیه ۳۴ سوره نسا» پژوهش های اخلاقی، ۱۳۹۴ ه.ش، شماره ۲.
۹. علی جانی، محمد، «بررسی تطبیقی قیومیت و تنبیه زنان در تفسیر فریقین» پژوهشنامه علوم و معارف قرآن، ۱۳۸۹ ه.ش، شماره ۶.
۱۰. علایی رحمانی، فاطمه، «بررسی تحلیلی قوامیت در آیه "الرجال قوامون علی النساء" فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۳ ه.ش، شماره ۱.
۱۱. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، «قوامیت مرد از نگاه قرآن کریم و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۷ پیاپی ۲۶.